

کنگره و نقش آن در سیستم حقوقی

و حاکمیت ملی آمریکا

حق حاکمیت ناشی از خود ملت بوده هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات مردم نمیتوانند فرمانفرمایی کنند مگر بنمابندگی از طرف ملت .

ماده سوم اعلامیه حقوق بشر مصوب ۲۶ ماه اوت ۱۷۸۹

حاکمیت ملی یا منبع و سرچشمه قوانین و سیستم حقوقی هر کشور با سازمان و اختیارات قوه مقننه بستگی داشته طرح روابط حقوقی اقوام و ملل بوسیله قوه مذکور ترسیم میشود. تصمیمات قوه مقننه از نظر قضائی بهمین جا خاتمه نیافته بعلت تجاوز از سرحدات سیاسی و تعارض با سیستم حقوقی دیگران ناگزیر با شلاقهای انتقاد و اعتراض مواجه میگردد. مسئولیت‌های مذکور سازمان قانون گذاری را در آنچنان موضع حساس و حیاتی قرار داده است که هر گونه نقص سازمانی و ولو جزئی و ناچیز نتایج خفیر و اثرات دردناک و وحشت آور ببار میآورد. *رساله جامع علوم انسانی*

کنگره آمریکا که نتیجه مساعی نسلها مردم متفکر و برجسته تاریخی آن کشور است دارای سازمانی است که بر سیستم حقوقی پیچ در پیچ آن کشور حکومت میکند . هدف مقاله حاضر معرفی کنگره و نقش وی در تئوریهای حقوقی آمریکا است .

تاریخچه

تلاش مستعمرات انگلیس در آمریکا و جنگهای تاریخی و خونین آنان برای تحصیل استقلال و آزادی در نیمه دوم قرن هیجدهم مردم این سرزمین را علیرغم مشکلات سیاسی و طبیعی بیکدیگر نزدیک نموده زعمای قوم را بلزوم اتحاد و اتفاق متوجه ساخت . مساعی پیشوایان مذکور اولین بار در پائیز سال ۱۷۷۴ به ثمر رسید و کنفرانسی تحت عنوان « اولین کنگره عمومی » در فیلادلفیا تشکیل شد .

نقش کنگره در سیستم حقوقی

نمایندگان کلیه ایالات با استثنای جورجیا در کنگره شرکت نموده مسائل زیر را مورد بررسی و ملاحظه قرار دادند. خطر عمومی جنگ و لزوم یگانگی - طرح و اجرای نقشه همکاری - قبول اعلامیه مشترکی درباره حقوق بشر - تهیه فرمولی حاوی مراتب مذکور و تقدیم آن بقوه مقننه ایالات عضو کنگره. و همچنین مقرر گردید که سال دیگر کنگره در همان محل تشکیل شود.

دومین کنگره عمومی سال ۱۷۷۵ صلاحیت خود را از حدود مذاکره و مشورت توسعه داده به وضع و اجرای مقرراتی درباره تشکیل و توسعه قشون و مالیه تعمیم داد. در صحنه سیاست ایالات متفق نقش حکومت مرکزی را بعهده گرفت. مورخین معتقدند که بدون کنگره مذکور « جنگ استقلال » با موفقیت به پایان نمیرسید. ایراد اساسی نسبت به کنگره این بود که:

اولاً - سازمان و اختیارات آن هیچگونه مجوز قانونی نداشته مبتنی بر رضایت غیر صریح و ضمنی مردمی بوده که از آن پشتیبانی و آنرا تفویض مینمودند. ثانیاً - برای موقعیت مخصوص و ضروری زمان جنگ بوجود آمده قوام و دوام آن به مبانی محکمتری احتیاج داشت.

ثالثاً - ضروری بود که امور مهم کشور از قبیل مالیات و بازرگانی و روابط خارجی و دفاع ملی بر اساس قانونی مطمئن و با دوام بحکومت مرکزی محول گردد. رابعاً - جنبه معنوی اتحاد یعنی بوجود آوردن ملتی واحد بنام ملت آمریکا رعایت گردد. ملاحظات فوق موجب تصویب اولین قانون اساسی آمریکا گردید که در سال ۱۷۷۸ تنظیم و در سال ۱۷۸۱ بموقع اجراء گذاشته شد.

۱- قانون اساسی سال ۱۷۷۸.

بموجب اصل دوم قانون مذکور ایالات حاکمیت خود را اصولاً حفظ کرده و فقط اجرای پاره‌ای اختیارات خود را بکنگره تفویض نموده بودند. کنگره در حقیقت دستگاهی نظیر جامعه ملل و فاقد قوه‌ای بود که بوسیله آن تصمیمات خود را بر ایالات تابعه تحمیل میکرد.

دومین خصیصه حکومت جدید تمرکز اختیارات بود در کنگره‌ای مرکب از یک مجلس. هر دوره تقنینیه یکسال و اعضاء آن را قوه مقننه هر ایالت انتخاب میکرد. حقوق هر نماینده را ایالت متبوع وی پرداخته و ایالت حق داشت هر وقت که بخواهد نماینده خود را فراخوانده نماینده دیگری را منصوب و اعزام دارد. هر ایالت صرفنظر از تعداد نمایندگان خود فقط حق یک رأی داشت.

نقش کنگره در سیستم حقوقی

وظایف کنگره:

اختیارات و وظائف معدود و بسیار محدود حکومت مرکزی بشرح زیر بود :
اداره کردن روابط خارجی - اعلان جنگ و اداره نیروهای مسلح در خشکی و دریا
تشکیل نیروی دریائی - اداره کردن امور قبایل سرخ پوست - استقراض - تنظیم اوزان
و مقیاسها - تعیین سهمیه ایالات از هزینه و سر باز .

اختیارات کنگره بهیچ عنوان نسبت با افراد مردم تسری نداشته بلکه رابطه‌ای بود بین حکومت مرکزی و حکومت ایالتی .

بعضی از مهمترین اختیارات حکومت مرکزی از قبیل عقد قرارداد صلح و ضرب سکه و استقراض موقوف بموافقت ۹ ایالت بود .

محدود بودن اختیارات کنگره از همان اوائل کار با مخالفت سران انقلاب امریکا مواجه شد . واشنگتن - هاملتن - مدیس از همه بیشتر برای توسعه اختیارات کنگره مبارزه میکردند .

با مرور زمان کار مخالفت با قانون اساسی سال ۱۷۷۸ بالا گرفت : از يك طرف ملیون مرکب از افسران ارتش انقلاب - بازرگانان - کسانیکه بدولت مرکزی وام داده برگهای قرضه ملی در دست داشتند و صاحبان صنایع . اینان اتحادیه جدید را در میان دول متجاوز و مغرور اروپا شیخ لرزانی تشخیص داده چاره کار را در ایجاد يك کنگره قوی و صاحب اختیار میدانستند .

از طرف دیگر دسته‌های بزرگی از کشاورزان با توسعه اختیارات کنگره مخالف بوده چنین استدلال میکردند که کنگره مرکزی را اوضاع و احوال غیرعادی زمان جنگ بوجود آورده و اکنون وقت آن رسیده است که بعنوان مشاور و روابط میان ایالات انجام وظیفه کند . زنجیرهای اسارت را که از آن سوی اقیانوس بر دست و پای ما گذارده بودند و با فداکاری برانداختیم برای آن نبود که زنجیر دیگری ولو ساخته و پرداخته وطن باشد به‌پذیریم .

ایالات مهمترین واحد حکومتند که ب مردم نزدیک بوده و باحتیاجات افراد بخوبی واقفند .

۳- قانون اساسی سال ۱۷۸۷ .

جنگ دو جبهه به پیروزی ملیون خاتمه یافت و مقرر گردید انجمنی در شهر فیلادلفیا گردآمده قانون اساسی سابق را مورد تجدید نظر قرار دهد . مذاکره ها و مناقشه‌های کنفرانس مزکور که بسال ۱۷۸۷ در شهر فیلادلفیا اتفاق افتاد بالاخص جنبه‌های سیاسی

نقش کنگره در سیستم حقوقی

و حقوقی آن بازار مباحثه گرم و در عین حال دلپذیری را بوجود آورده که پس از قریب دو قرن هنوز هم محل استناد و موضوع تفسیر دانشمندان علوم سیاسی امریکا است. قسمتی از مطالب مذکور که سازمان کنگره مرتبط می باشد ذیلا نقل می گردد .

در اینکه آیا کنگره از يك مجلس تشکیل شود یا دو مجلس مباحثه زیادی بعمل نیامد زیرا مشکل اساسی این بود که نمایندگی در کنگره به نسبت تعداد جمعیت ایالات باشد یا هر يك از ایالات صرف نظر از تعداد جمعیت در کنگره صاحب يك رأی باشند .

مليون بحکم ایمان و اعتقاد خود بيك حکومت مرکزی نیرومند و متکی به مردم از نمایندگی به نسبت تعداد جمعیت حمایت می کردند .

خلاصه استدلال آنان این بود که هر گاه هفت ميليون جمعیت نیویورک را بانیم ميليون جمعیت ردایند در يك ردیف قرار دهیم شش ميليون ونیم جمعیت نیویورک را از حقوق سیاسی محروم ساخته اصل مساوات را که جزء لاینفک دموکراسی است نقض کرده ایم .

همانگونه که افراد در برابر حکومت مرکزی دارای تکالیف و مسئولیتهای مساوی بوده در پرداخت مالیات و خدمت نظام موظف به تشریک مساعی متساوی میباشند در استفاده از حقوق و بالخصوص حقوق سیاسی نیز باید وضع چنین باشد .

اما طرفداران حاکمیت ایالت یعنی نمایندگان ایالات کوچک معتقد بودند که ایالات دارای استقلال و حاکمیت تام بوده عضویت اتحادیه را با حفظ مراتب مذکور میپذیرند . هر گونه توافقی خلاف آن خیانت ب مردم ایالت و تجاوز و تعدی به حاکمیت آنان خواهد بود .

نمایندگان طرفدار هر يك از دو نظریه طرف دیگر را به استعفا و خروج از کنفرانس تهدید کرده خواستار تصویب نظر خود بودند . کنفرانس لحظات بحرانی و سنگینی را میگذراند و استدلال طرفین گرهی از کار نمی گشود .

در دقائق یأس آوری که امیدها منقطع شده بود ناگهان نمایندگان ایالت کنیکتیکت پیشنهادی به کنگره تقدیم داشته و دفاع از آنرا به بهترین وجهی به عهده گرفتند . خلاصه پیشنهاد این بود که کنگره از دو مجلس یکی مجلس نمایندگان به نسبت تعداد جمعیت و دیگری مجلس سنا به نسبت دو برابر تعداد ایالات تشکیل شود . هر ایالت در مجلس سنا دو نماینده داشته و هر نماینده دارای يك رای مستقل خواهد بود .

پیشنهاد اصلاحی مذکور کنگره را اگرچه موقتا ازین بست خارج ساخت ولی بلافاصله موضوع حق انتخاب بردگان مطرح گردید . آیابردگان مانند دیگران جزء جمعیت منظور شوند یا از قبیل اموال و حیوانات محسوب و از حق رأی دادن محروم گردند .

نقش کنگره در سینم حقوقی

ایالات جنوبی که تعداد بردگانشان بیشتر بود به منظور اعزام نمایندگان بیشتری به مجلس طرفدار حق رأی بردگان بودند درحالیکه ایالات شمالی و وسطی بعلت قلت تعداد بردگان خود بانظریه مذکور مخالفت میورزیدند. پس از مذاکرات متصل بالاخره فرار بر این شد که به $\frac{3}{5}$ بردگان حق رأی داده شود.

« روفوس کینگ » در این باره چنین میگوید :

در دفاع از نظریه حق رأی $\frac{3}{5}$ بردگان مندرج در قسمت دوم اصل اول قانون اساسی امریکا هیچگونه دلیلی از منطق نمیتوان یافت. ولی نزدیکترین راه حلی بود که عده ای را با آراء و عقاید مختلف ولی مثبت و مصمم و اهل کار متفق ساخت.

مقررات مذکور بموجب اصل پانزدهم متمم قانون اساسی بعدها ملغی گردید. انجمن فیلادلفیا مأمور تجدیدنظر در قانون اساسی پس از حل مشکلاتی که نمونه آنها تا آنجا که مربوط به سازمان کنگره بود و فوقا توضیح گردید وظائف خود را بانجام رسانیده طرح پیشنهادی را جهت تصویب بایالات سیزده گانه تسلیم نمود. قانون مذکور همانست که اساس تشکیلات سیاسی فعلی کشورهای متحده بوده و از آن در فصول آینده بحث خواهیم کرد.

سازمان کنگره

انتخاب شدن به عضویت مجالس مقننه جز از طریق احزاب سیاسی تقریباً محال و ممتنع است. هر حزب در یک جلسه غیر رسمی به افراد مورد نظر رأی تمایل میدهد. حائزین اکثریت کاندیدای حزب بوده و از راه مطبوعات - رادیو - تلویزیون - و هر گونه وسیله ای که در دسترس بوده امید فایده ای از آن برود برای موفقیت وی فعالیت مینمایند. اعضاء مجالس سنا برای مدت شش سال و اعضاء مجلس نمایندگان بمدت دو سال بنماینده گی انتخاب میشوند. انتخاب يك ثلث اعضاء مجلس سنا هر دو سال یکبار تجدید میشود. هر ایالت به نسبت تعداد جمعیت و بر حسب سهمیه ای که بموجب قانون بوی اختصاص داده شده است نمایندگان خود را انتخاب و بواشنگتن میفرستد. تعداد نمایندگان مورد احتیاج از نواحی مختلف هر ایالت بنحوی انتخاب میگردد که از هر ناحیه يك نماینده بمجلس اعزام شود.

روش مذکور را « جریماندرینگ » گویند.

انتخاب نمایندگان مجلس سنا با اشکال تقسیم ایالت بنواحی مواجه نبوده و تا پیش از سال ۱۹۱۳ قوه مقننه هر ایالت دونفر را بنماینده گی مجلس سنا مبعوث و بمرکز اعزام مینمود. ولی در حال حاضر بموجب اصل هفدهم متمم قانون اساسی سناتور ها مستقیماً توسط مردم

انتخاب میشوند .

شرایط انتخاب شدن به نمایندگی مجالس مقننه در بند دوم و بند سوم از صل اول قانون اساسی که ترجمه آن ذیلا نقل میگردد مصرح است .

اصل اول - بند دوم :

«هیچکس بنمایندهای مجلس انتخاب نخواهد شد مگر آنکه ۲۵ سال داشته و لااقل هفت سال تبعه دولت ایالات متحده باشد و همچنین هنگام انتخاب شدن ساکن ایالتی خواهد بود که از آنجا بنمایندهای انتخاب میگردد.»

اصل اول - بند سوم :

«هیچکس عضویت مجلس سنا انتخاب نخواهد شد مگر آنکه سی سال داشته و لااقل نه سال تبعه دولت ایالات متحده باشد و همچنین هنگام انتخاب شدن ساکن ایالتی خواهد بود که از آنجا عضویت مجلس سنا انتخاب میگردد .»

رؤسای مجلسین

معاون رئیس جمهور امریکا که بموجب اصل دوم قانون اساسی آن کشور مستقیماً از طرف مردم انتخاب میشود ریاست مجلس سنای امریکای را ظاهراً بعهدہ دارد . ولی رئیس واقعی مجلس سنای امریکا رهبر اکثریت است که در پیشرفت مقاصد و نظریات حزب متبوع خود نقش عمده‌ای را ایفاء مینماید .

رئیس مجلس نمایندگان از میان حزب اکثریت بدستور قسمت پنجم از بند یازدهم از اصل اول قانون اساسی انتخاب میگردد .

فرق اساسی میان رئیس مجلس نمایندگان امریکا و رئیس مجلس عوام انگلیس در اینست که اولی همه نیرو و نفوذ خود را در راه تصویب برنامه‌های حزب بکار میبرد و دومی براساس بیطرفی کامل وظایف خود را انجام میدهد .

اگر چه بنحویکه گذشت رئیس مجلس نمایندگان را اعضاء آن مجلس انتخاب میکنند ولی درحقیقت انتخاب وی در شورای عالی حزب اکثریت صورت گرفته و نه تنها ریاست مجلس بلکه نقش رهبری حزب مذکور نیز بعهدہ وی محول است . ولذا از حمایت اعضاء حزب خود بنحو اکمل برخوردار میباشد .

اختیارات رئیس مجلس نمایندگان

اگرچه عمده اختیارات ریاست مجلس نمایندگان در سال ۱۹۱۰ - ۱۹۱۱ از مقام مذکور سلب گردید ولی هنوز هم نقش عمده‌ای بشرح زیر به مشارالیه محول است :

۱- ریاست جلسات مجلس

نقش کنگره در سیستم حقوقی

- ۲- تعیین کسانی که هنگام غیبت وی جلسات را اداره کنند
- ۳- حفظ نظم جلسات
- ۴- « معرفی نمایندگان » که در جلسات مجلس بخواهند صحبت کنند .
- ۵- امضاء مصوبات و تصمیمات مجلس
- ۶- تفسیر و اجرای مقررات داخلی مجلس
- ۷- به رای گذاشتن موضوعات و مسائل
- ۸- شمارش و اعلام نتیجه آراء در بعضی موارد
- ۹- انتخاب و تعیین اعضاء پاره‌ای کمیسیونهای مخصوص
- ۱۰- ارجاع طرحها به کمیسیون مربوط
- ۱۱- از کلیه اختیارات يك نماینده عادی استفاده کرده میتواند در بحث شرکت نموده رأی بدهد .

بمنظور مجسم نمودن نقش رئیس مجلس نمایندگان امریکا یکی از اختیارات فوق یعنی « معرفی نمایندگان » را که بخواهند در جلسات مجلس صحبت کنند « ذیلاً توضیح مینمائیم . سابقاً نماینده‌ای که میخواست در مجلس صحبت کند مکلف بود قبلاً رئیس مجلس را ملاقات نموده موافقت وی را جلب نماید . مقررات فوق اگر چه امروز ملغی شده ولی هنوز هم نماینده‌ای که بخواهد از موضوع مطروحه در مجلس عدول نماید بایستی قبلاً از جلسه نظر خود را باریس در میان گذارد .

با مخالفت رئیس از معرفی نمایندگان رئیس مجلس بخوبی بر سر نوشت مذاکرات مسلط بوده آنرا براهیکه هدف واقعی حزب میباشد هدایت مینماید .

نبایستی توهم شود که رئیس مجلس اقلیت را از اظهار نظر محروم میکند زیرا معمولاً قسمتی از وقت جلسات به نطق و مذاکرات اقلیت اختصاص داده میشود معذالک رئیس الزامی ندارد که به اقلیت اجازه دهد تا برنامه کار اکثریت را متوقف نمایند .

برای خنثی نمودن پاره‌ای مانورها و خدعه های پارلمانی اقلیت به رئیس مجلس اختیار داده شده است که از داوطلب نطق مقصود وی را سؤال کند .

رویه فعلی اینست که کمیسیون مأمور حك و اصلاح و پیشنهاد هر طرح توسط رئیس و عضو مقدم اقلیت همان کمیسیون وقت را تقسیم مینمایند .

ترتیب مذکور عادتاً مورد قبول رئیس واقع و از آن تبعیت میشود . بطور خلاصه رئیس مجلس از اختیارات خود در معرفی داوطلبان و نطق میتواند استفاده کرده مجلس را بسوی هدف معینی هدایت کند ولی حق کنترل مباحثه و ماهیت نطق نمایندگان را ندارد

نقش کنگره در سیستم حقوقی

اختیارات رئیس مجلس سنا

از آنجا که رئیس مجلس سنا مستقیماً مبعوث مردم بوده و از طرف مجلس سنا انتخاب نمیشود لذا فاقد اختیارات و نفوذی است که در مورد رئیس مجلس نمایندگان مذکور افتاد. مشارالیه نمیتواند در مباحثه شرکت جسته به نفع برنامه حزب خود فعالیت کند. مقررات و آئین نامه های داخلی مجلس سنا اختیارات وی را بداره جلسات محدود نموده است.

هر گونه نفوذ و قدرت و اختیاریکه از طرف مشارالیه اعمال گردد مربوط به شخصیت علمی و معنوی و سیاسی وی بوده من غیر مستقیم در افکار و منطق و روش سناتورها میتواند مؤثر باشد.

مجلس سنا از بین اعضاء خود یک نفر را انتخاب مینماید که در صورت فوت یا استعفای رئیس دائمی اداره جلسات بوی محول میگردد.

کمیسیونهای مجالس مقننه

بد نقل بیشتر نویسندگان حقوق اساسی امریکا کمیسیونهای پارلمانی در هیچیک از کشورهای جهان باندازه کمیسیونهای کنگره امریکا و بالاخص کمیسیونهای مجلس نمایندگان در ساختن و پرداختن طرحهای قانونی مؤثر نمیشاند.

سیستم بیچ در بیچ کمیسیونهای پارلمانی کنگره امریکا محصول تجربه و سوابق چندین دهساله است که بصورت فعلی پذیرفته شده و اجرا میگردد.

دراوائل کار مجلس بدون کمیسیون و با شرکت همه اعضاء خود به طرحهای رسیدگی میکرد و هنوز هم در پاره ای موارد روش مذکور اجرا میشود. بعد ها کمیسیونهای مخصوص و موقت بوجود آمد که موضوعی را بررسی نموده و پس از تقدیم گزارش لازم منحل میشد.

بتدریج نوع مخصوص از لوایح به پاره ای کمیسیونهاییکه بعلت از دیاد لوایح انحلالشان عملی نبود محول شد و سیستم فعلی بر اثر تکامل تدریجی کمیسیونهای اتفاقی مذکور بوجود آمد تا اینکه امروز هر پیشنهاد و طرحی هر اندازه کوچک و بی اهمیت هم که باشد در حدود صلاحیت یکی از کمیسیونهای پارلمانی قرار میگیرد.

سازمان کمیسیونهای کنگره و تعداد اعضاء آنها در حال حاضر بشرح زیر میباشد:

مجلس نمایندگان

تعداد

کمیسیون

۳۷

کشاورزی

نقش کنگره در سیستم حقوقی

۵	بودجه (اختصاص وجوه برای مخارج)
۴۰	نیروهای مسلح
۳۰	بانک و پول
۲۵	ناحیه کلمبیا
۳۰	فرهنگ و کار
۳۲	امور خارجه
۳۰	عملیات دولت
۲۵	امور اداری مجلس
۳۲	داخله
۳۱	بازرگانی داخله و خارجه
۳۲	دادگستری
۳۰	تجارت بحری و ماهیگیری
۲۴	پست و امور کارکنان دولت
۳۴	امور عمومی
۱۲	مقررات داخلی مجلس
۹	فعالینهای ضد امریکا
۲۴	امور سربازان بازنشسته
۲۵	وسائل
۱۵	کشاورزی و جنگلبانی
۲۳	بودجه (اختصاص وجود برای مخارج)
۱۵	نیروهای مسلح
۱۵	بانک و پول
۹	ناحیه کلمبیا
۱۵	مالیه
۱۵	روابط خارجی
۱۳	عملیات دولت
۱۵	داخله
۱۵	بازرگانی داخله و خارجه
۱۵	دادگستری
۱۳	کار و فوائد عامه

نقش کنگره در سیستم حقوقی

۱۳	پست و امور کارکنان دولت
۱۳	امور عمومی
۹	مقررات داخلی و امور اداری سنا

نمایندگان اگرچه ظاهراً بموجب رای مجلس عضویت کمیسیونها انتخاب میشوند ولی درحقیقت دو کمیسیون مخصوص مربوط بدو حزب دمکرات و جمهوریخواه آنان را تعیین و مجلس تایید مینماید .

با توجه باینکه نمایندگان همه مساعی خود را برای عضویت در کمیسیونهای مهم بکار میبرند و همچنین جدال هر حزب علیه دیگری برای گرفتن کرسیهای بیشتری در کمیسیونهای مهم غالباً موضوع صورت پیچیده و بغرنجی بخود میگرفت . در حال حاضر زور آزمائی دو حزب در انتخاب اعضاء کمیسیونها با اجرای فرمول ذیل تاحدی بر طرف شده است .

نمایندگان به نسبت تعداد اعضاء هر حزب در مجلس عضویت کمیسیونها انتخاب میشوند . بنابراین هر گاه جمهوریخواهان ۵۵ و دمکراتها ۴۵ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل دهند نسبت مذکور در انتخاب اعضاء کمیسیونها رعایت خواهد شد .

رؤسای کمیسیونها

انتخاب رؤسای کمیسیونها اگرچه رسماً با اکثریت آراء مجلس صورت میگیرد ولی عملاً حزب اکثریت که سابقه خدمت وی در آن کمیسیون از دیگران بیشتر باشد بریاست کمیسیون انتخاب میگردد.

اختیارات رؤسای کمیسیونها عملاً وسیع بوده گاهی برنامه های دولت و حتی حزب را متوقف نموده یا تغییر شکل داده و زمانی قدرت خود را برای پیشرفت مقاصد معین ملی و عمومی یا ناحیه ای و ایالتی بکار میاندازند .

مهمترین اختیارات رئیس کمیسیون بشرح زیر میباشد :

- ۱- توییح یا تشویق اعضاء کمیسیون
- ۲- تشکیل سو کمیسیون و انتخاب اعضاء حزب اکثریت که در آن شرکت مینمایند.
- ۳- کنترل مذاکرات کمیسیون
- ۴- خودداری از انعقاد جلسه کمیسیون در پاره ای موارد

وظائف و اختیارات کنگره

اهم وظائف و اختیارات کنگره امریکا باختصار واجمال بشرح زیر میباشد :

۱- قانونگذاری

قدرت کنگره در طرح و تصویب قوانین محدود با اختیار است که به طور صریح یا ضمنی بموجب قانون اساسی به کنگره تفویض شده است بند هشتم از ماده اول هفده مورد را تصریح نموده که ترجمه بعضی آنها بشرح زیر میباشد :

استقرار با اعتبار دولت ایالات متحده

تنظیم و تصویب مقررات بازرگانی در روابط ایالات متحده با سایر ملل و بین ایالات

متحده و قبایل سرخ نوست

اعلان جنگ

ایجاد و توسعه ارتش

تاسیس پست و راههای پستی

ضرب سکه و تنظیم اوزان و مقیاسها

تصویب قوانینی که برای اجرای اختیارات مذکور و همچنین اختیاراتیکه بموجب

این قانون به حکومت ایالات متحده تفویض گردیده است .»

آنچه بموجب قانون بکنگره تفویض نگردیده و ایالات نیز از آن ممنوع نشده اند بحکومت های ایالتی تعلق خواهد داشت در اینکه آیا کنگره میتواند وظیفه قانونگذاری را بعضا به یکی از دستگاه های قوه مجریه تفویض نماید آراء دیوانعالی کشور در همه موارد یکسان نبوده است .

قانون احیاء صنایع ملی مصوب سال ۱۹۳۳ از طرف دیوان مذکور بعلت تناقض با قانون اساسی غیر قانونی و ملغی الاثر اعلام گردید . در حالی که اختیارات مفوض به « کمیسیون های مستقل اجرائی » از قبیل حق تعیین نرخ حمل و نقل راه آهن توسط « کمیسیون روابط بازرگانی بین ایالات » با اینکه در صلاحیت کنگره است مورد ایراد دیوانعالی کشور واقع نشد .

۲- نقش کنگره در تکمیل یا تغییر قانون اساسی

اصل پنجم قانون اساسی مقرر میدارد :

«هرگاه $\frac{2}{3}$ اعضاء هر دو مجلس (تجدید نظر در قانون اساسی را) لازم بدانند متممی بر قانون اساسی حاضر پیشنهاد مینمایند و همچنین بنا بابتقاضی قوه مقننه $\frac{2}{3}$ ایالات-کنگره از نمایندگان ایالات برای تشکیل انجمن و رسیدگی به پیشنهاد دعوت خواهد کرد. در هر دو حال پیشنهاد مصوب به نحو فوق هرگاه بتصویب قوای مقننه $\frac{3}{4}$ ایالات برسد یا در مجلسی مرکب از نمایندگان $\frac{3}{4}$ ایالات تصویب گردد معتبر بوده قسمتی از قانون اساسی حاضر خواهد بود.

نقش کنگره در سیستم حقوقی

کنگره میتواند انتخاب یکی از دوروش فوق را (جهت تأیید و تصویب پیشنهاد) مقرر دارد. «
بنابراین در تغییر یا تکمیل قانون اساسی کنگره وظائف زیر را بعهده دارد :
الف - پیشنهاد تغییر یا تکمیل قانون اساسی با اکثریت دوثلث اعضاء خود .
ب - دعوت از ایالات برای تشکیل انجمن در صورتیکه پیشنهاد لااقل توسط $\frac{2}{3}$ ایالتها بعمل آمده باشد .

ج - تعیین اینکه پیشنهاد توسط قوه مقننه $\frac{2}{3}$ ایالات مورد رسیدگی قرار گیرد یا انجمن مرکب از نمایندگان لااقل $\frac{3}{4}$ ایالتها آنرا تصویب کند .

۳ - کنگره و انتخاب رئیس جمهور و نایب رئیس جمهور

بموجب اصل دوم و اصل دوازدهم قانون اساسی هر ایالت به تعداد مجموع نمایندگان خود در کنگره برای انتخاب رئیس جمهور و نایب وی هیئتی انتخاب و معرفی مینماید . هر هیئت در ایالت مربوط خود اجتماع نموده اعضاء آن هر کدام دو رأی یکی به نفع ریاست جمهوری و دیگری به نفع نیابت ریاست جمهور به صندوق میریزند . نتیجه انتخابات و آراء مأخوذه مهر و موم شده مستقیماً بعنوان ریاست مجلس سنا فرستاده میشود .

رئیس مجلس سنا در جلسه مشترك مجلسین آراء را قرائت و حائزین اکثریت مطلق را برای احراز مقام ریاست جمهور و نیابت ریاست جمهور اعلام میدارد . هر گاه چنان اکثریتی حاصل نگردد یکی از سه نفر کسانیکه نسبت ب دیگران اکثریت نسبی دارد فوراً توسط مجلس نمایندگان بر ریاست جمهور انتخاب خواهد شد جلسه لااقل با $\frac{2}{3}$ اعضاء تشکیل و اتفاق $\frac{2}{3}$ مذکور برای رای الزامی است . در جلسه انتخاب ریاست جمهور هر ایالت صرفنظر از تعداد نمایندگان خود دارای فقط يك رأی میباشد .

در مورد انتخاب نایب رئیس نیز بنحو فوق عمل خواهد شد جز اینکه در صورت عدم حصول اکثریت مطلق نایب رئیس از میان دو نفر حائزین اکثریت نسبی توسط مجلس سنا انتخاب خواهد شد .

۴ - وظائف اجرائی کنگره

سنای امریکا بموجب بند دوم از اصل دوم قانون اساسی بشرح زیر در وظائف قوه مجریه مداخله مینماید :

الف - رئیس جمهور بامشورت و تصویب مجلس سنا میتواند به عقد قرارداد با کشور های خارج مبادرت ورزد مشروط بر اینکه دوثلث سناتورهای حاضر در جلسه آنرا تأیید و تصویب نمایند .

نقش کنگره در سیستم حقوقی

ب - رئیس جمهور نمایندگان سیاسی ایالات متحده را در سایر کشورها و همچنین وزراء و مستشاران دیوانعالی کشور و سایر افسرانیکه در قانون اساسی پیش‌بینی نگردیده ولی قوانین عادی مقرر خواهند داشت انتخاب و با تأیید مجلس سنا منصوب خواهد کرد. کنگره میتواند بموجب قانون حق انتصاب صاحب‌منصبان جزء را به رئیس جمهور یا بمحاکم یا بوزراء تفویض نماید .

د- وظائف قضائی کنگره

بموجب بند ۴ اصل دوم قانون اساسی ایالات متحده :

رئیس جمهور و کلیه مأمورین بخدمات عمومی ایالات متحده را میتوان به محاکمه جلب و از پست خود معزول نمود .

الف - تنظیم و صدور ادعانامه - هر يك از اعضاء مجلس نمایندگان میتواند مأموری را به ارتکاب جرم متهم نماید . موضوع اتهام به کمیسیون قضائی مجلس یا کمیسیون مخصوص ارجاع و گزارش کمیسیون توسط مجلس مورد بررسی قرار خواهد گرفت . هرگاه اکثریت اعضاء مجلس با تعقیب متهم موافقت نمایند ادعانامه صادر و برای محاکمه به مجلس سنا تقدیم میگردد .

ب - محاکمه - سنا بمجرد دریافت ادعانامه مکلف به رسیدگی و تشکیل جلسه محاکمه است . در جلسه محاکمه مجلس سنا تبدیل بدادگاه گردیده سرنوشت متهم رامعین مینماید (۲۰) افسران و افراد نظام و همچنین اعضاء مجالس مقننه ازشمول اصل فوق‌خارج میباشند .

هرگاه متهم رئیس جمهور باشد در اینصورت رئیس دیوانعالی کشور ریاست دادگاه را بعهده خواهد داشت . متهم میتواند و کلاء مدافع و شهود خود را برای دفاع و ادای گواهی معرفی نماید .

در پایان محاکمه مجلس سنا بارأی مخفی نظر خود را اعلام خواهد کرد . برای محکومیت متهم حد اقل دوثلث آراء حاضرین در جلسه ضروری است مجازات محکوم عزل مأمور و سلب صلاحیت همیشگی وی از کارهای دولتی خواهد بود . پس از محکومیت تعقیب و مجازات متهم در دادگاه های عمومی بلامانع میباشد .

محاکمه و سلب صلاحیت مأمورین بخدمات عمومی توسط کنگره رویه ایست که حقوق اساسی امریکا از انگلیس اقتباس نموده و آنقدرها مؤثر و رضایتبخش نبوده است . تاکنون ۱۲ نفر که بیشتر آنان قضات محاکم بوده اند مورد تعقیب مجلس نمایندگان قرار گرفته و فقط چهار نفرشان محکوم شده‌اند . برزیدنت جانسن تنها رئیس جمهور

نقش کنگره در سیستم حقوقی

ایالات متحده بود که در مجلس سنا باختلاف فقط يك رأی از محکومیت رهایی یافت .

۶- بررسی و تحقیقات کنگره

اگرچه هدف اساسی تحقیقات کنگره دسترسی باطلاعاتی است که مجلسین را در حل مشکلات ملی و تصویب قوانین مفید کمک کند ولی وسیله مذکور بالاخص در ده سال اخیر بارها بمنظور مسئول قرار دادن مأمورین دولتی در برابر کنگره بکار رفته است . سابقا کمیسیونهای فوق العاده از اعضاء کنگره برای رسیدگی و تحقیق انتخاب میشدند ولی از تاریخ تصویب قانون تجدید سازمان قوه مقننه مصوب ۱۹۴۶ که بموجب آن بکمیسیون های عادی مجلسین اجازه بررسی و تحقیق داده شد استفاده از کمیسیون فوق العاده بندرت صورت میگیرد .

اختیارات ناشی از بررسی و تحقیق کنگره معایب و نقاط ضعف زیر را از لحاظ جامعه امریکا در بر داشته است :

الف - وسعت دامنه بررسی و تحقیق

در سالهای اخیر دامنه تحقیقات کنگره به آراء و عقاید سیاسی افراد کشیده شده و گروه گروه افراد برجسته از دیران - وعاظ - نویسندگان - ستارگان سینما - مدیران اتحادیه کارگران و غیره برای ادای توضیح به کنگره و کمیسیونهای تحقیق آن جلب گردیده اند .

طرفداران تئوری تفکیک قوا این نوع دخالت را خلاف اصل دانسته و نسبت با اقدامات مذکور و قوانین مربوط به آن کرارا اقامه دعوا نموده اند .

رویه محاکم تاکنون تأیید اختیارات بوده و حق بررسی و تحقیق کنگره را ناشی از وظائف قانونگذاری دانسته است .

ب - علنی و عمومی بودن جلسات

هجوم روزنامه نگاران و خبرنگاران دستگاههای تلویزیون و رادیو و همچنین توجه مردم بجلسات استنطاق موجب شده است که نمایندگان برای عضویت در کمیسیون تحقیق تلاش نموده آنها وسیله شهرت و معروفیت خود قرار دهند . با این ترتیب هدف اساسی کمیسیون تحت الشعاع قرار می گیرد .

ج - عدم رعایت اصول آئین دادرسی

غالب اعضاء کنگره معتقدند که قواعد پیچ در پیچ دادرسی در محاکم نسبت به کمیسیونهای مجلس شمول ندارد میگویند :

« ما کسی را محاکمه نمیکنیم حکم مجازات صادر نمینمائیم بلکه اشخاص را به ادای

نقش کنگره در سیستم حقوقی

شهادت دعوت نموده موجبات کشف حقایق را فراهم میکنیم در اینصورت دادگاهی در میان نیست تا بحث از رعایت اصول دادرسی مورد داشته باشد»

اظهارات فوق خدشه ای بر این حقیقت وارد نمیآورد که احضار اشخاص ولوبعنوان شاهد و مطلع در محضر کمیسیونها داغ ماجراجوئی و انحراف به آنها میزند که اثرات اجتماعی آن در بسیاری موارد از محکومیت جزائی دردناکتر است .
بسیارند کارمند مؤسسات و سازمانهای دولتی و غیر دولتی که بر اثر احضار کمیسیونهای تحقیق از کار خود منفصل شده یا عملاً از مزایای شغلی و ترفیع بازماندهاند . بدلائل فوق حقوقدانان امریکا معتقدند عدم رعایت اصول دادرسی در کمیسیونها موجب هتك آزادی فردی و تجاوز و تعدی بحقوقی است که فلسفه قانون اساسی امریکا بر آنها متکی است .

د - اجبار اشخاص به ادای شهادت

کمیسیونها میتوانند شهود را احضار نموده آنها را به تسلیم اوراق و مکاتبات و قراردادها و سایر اسنادیکه به موضوع بررسی مربوط باشد وادار نمایند . گواهی که از ادای شهادت یا تسلیم مدارك امتناع ورزد بجرم اهانت به کنگره مورد تعقیب جزائی و مجازات قرار خواهد گرفت .

ه - اجبار سازمانهای دولتی به تسلیم اطلاعات

بحث ما تا اینجا درباره کسب اطلاعات از افراد و اشخاص و مشکلات ناشی از آن دور میزد ولی پیچیدگی و ابهام و کشاکش هنگامی از حدود معمول و متعارف تجاوز میکند که اطلاعات مورد نظر کنگره در اختیار دولت بوده و تسلیم آنها را به کنگره صلاح و مقتضی نداند .

از یکطرف کنگره ذیحق است اطلاعات مربوط بطرز کار قوه مجریه را که لازم میدانند کسب نماید و از طرف دیگر رؤسای جمهور خود را موظف نمیدانند پروندههای شخصی خویش را در برابر کنگره باز کنند . و همچنین هر گاه افشای سری را برخلاف منافع عمومی تشخیص دهند و آن راز در اختیار یکی از سازمانهای دولتی باشد مصالح جامعه را برحق کنگره در کسب اطلاعات مقدم میدانند .

در اثنای جنگ جهانی دوم سازمان پلیس مخفی امریکا با پشتیبانی رئیس جمهور کرارا از دادن اطلاعات موضوع تقاضای کنگره استنکاف نمود . در هر صورت اختیارات کنگره در احضار و جلب مأمورین دولتی باعتبار سازمان مربوطه آنها توسط مقامات قضائی صریحاً تأیید یابد نشده است .

۷- رابط میان مردم وقوه مجریه

بیشتر وقت نمایندگان مجلسین صرف هماهنگ نمودن تقاضاها و توقعات مردم باوظائف سازمان قوه مجریه میگردد. نامه ها و تلگرافها و تلفن هائیکه از حوزه انتخابیه هر نماینده روزانه ارسال و مخایره میشود وظائف ومسئولیتهای متعدد و گوناگونی برقوه مقننه تحمیل میکند که درهیچیک ازقوانین عادی یا قانون اساسی از آنها ذکری بمیان نیامده است.

سازمان های وابسته به کنگره

حقوقدانهاییکه در سالهای اخیر حقوق اساسی ایالات متحده امریکا را بررسی وتجزیه وتحلیل نموده اند برخلاف سابق از ظواهر مواد قانون به حقایق و واقعیات عطف توجه نموده عوامل و عناصر غیررسمی را که کنگره امریکا وامر قانونگذاری تحتالشعاع آنها است و درعین حال قانون اساسی نسبت به آنها ساکت میباشد مورد بحث قرار داده اند. مهذترین سازمان های مذکور یکی احزاب سیاسی و دیگری گروههای سیاسی است که در این رساله از لحاظ اهمیت گروههای سیاسی در امر قانون گذاری از آن به تفصیل یاد میشود.

گروههای سیاسی

مارشال دیماک استاد دانشگاه نیویورک در فصل دوم کتاب معروف خود بنام صنایع و حکومت گروههای سیاسی را چنین تعریف کرده است :

« گروه سیاسی عبارتست از افراد متشکلی که دارای منافع مشترك بوده درانتخاب اعضاء مجالس مقننه باتأیید یکی ومخالفت بادیگری اعمال نفوذ میکنند .

بوسیله جنگهای تبلیغاتی افکار عمومی را بسوی موضوع مورد نظر خود جلب یا از آن منحرف میسازند .

ازراه تماس مداوم بااعضاء مجالس مقننه مفاد طرحهای قانونی را تغییر داده تصویب آنها را تسریع یا بالعکس مواجه با شکست مینمایند . عضو رابط کسی است که گروه سیاسی را باقوه مقننه یا قوه مجریه پیوند میدهد .

عضو رابط بوسیله گروه سیاسی پشتیبانی گردیده موظف است آینده گروه را تا آنجا که به سازمانهای دولتی مربوط میباشد حفظ کند .

در ایالات متحده امریکا بیش از هرکشور دیگر « گروه سیاسی » وجود دارد . دانشمندان علوم سیاسی سه علت عمده جهت ایجاد ورشد گروه های مذکور در امریکا ذکر کرده اند :

صنایع و موسسات امریکا از سایرکشورها پیچیده تر و متنوع تر است .

نقش کنگره در سیستم حقوقی

طرز تفکر مردم این سرزمین و انتظار آنان از مؤسسات اقتصادی از یکطرف و حکومت از طرف دیگر بالنسبه به سایر کشورها فرق دارد . گروههای سیاسی در محیط آزاد بیشتر نشو و نما میکنند .

۴- مهمترین گروههای سیاسی

تعداد گروههای سیاسی که در واشنگتن دارای مرکز رسمی و دائمی میباشد ۵۰۰ واحد تخمین گردیده که مهمترین آنها برای صنایع و کارگران و کشاورزان فعالیت میکنند:

الف - گروههای سیاسی منتسب به صنایع .

یکی از بزرگترین و فعالترین سخنگویان صنایع که قوه مقننه غالباً از آن به ستوه میآید اطاق تجارت ایالات متحده امریکا است .

اطاق مذکور نماینده اطاقهای تجارت ایالات بوده اعضاء آنرا بازرگانان و نمایندگان کارخانجات و مؤسسات مالی تشکیل میدهند .

قوانین و مقررات مربوط به دستمزدها و قیمت ها و قوانین مالیات بردرآمد یا مالیات بر سرمایه و همچنین طرحهاییکه مستلزم حمایت دولت از اتحادیه های کارگران باشد مورد حملات شدید و گاهی وحشت آور اطاق بازرگانی واقع میگردد .

نظریات اطاق طی نامهها و نشریات منظم و مرتب چاپ شده بین کمیسیونهای پارلمانی پارلمانی و اعضاء قوه مقننه توزیع و برای پیشرفت مقاصد اطاق از اعضاء رابط فوق العاده متنفذ که سابقاً وکیل یا وزیر بوده اند استفاده میشود .

ب - گروههای سیاسی کارگران .

مهمترین حافظ منافع اتحادیه های کارگران در واشنگتن یکی اتفاق کارگران امریکا و دیگری کنگره سازمانهای صنعتی است .

اتحادیه های کارگری که در نواحی مختلف کشور تشکیل میگردد بمنظور حفظ منافع خود عضو یکی از دو گروه سیاسی فوق بوده صدای خود را بوسیله گروههای مذکور بگوش اولیاء دولت مرکزی و بالاخص قوه مقننه و همچنین مردم میرسانند .

ج - گروههای سیاسی کشاورزان

مرکز اتفاق کشاورزان امریکا سازمان عظیمی است که مدافع حقوق کشاورزان آن سرزمین بوده و موجبات تصویب قوانین فوق العاده مفیدی را به نفع کشاورزان فراهم نموده است . اهم قوانین مذکور راجع بموارد زیر میباشد .

چون پارهای محصولات کشاورزی مورد استفاده عموم بوده و تغییرات قیمت در بازار موجب عدم تأمین کشاورزان و نقصان تولید میگردد با اصرار و اعمال نفوذ «مرکز

نقش کنگره در سیستم حقوقی

اتفاق کشاورزان» قانونی بتصویب رسید که مقرر میداشت دولت هرگونه تغییر قیمتی را که در بهای پاره‌ای محصولات کشاورزی رخ دهد و موجب زیان کشاورزان گردد تا حدود ۷۰ درصد جبران نماید.

توسعه فعالیتهای دولت در بررسی‌ها و تحقیقات مربوط به توسعه فنون کشاورزی مرهون مساعی مرکز اتفاق کشاورزان بوده مبارزه‌های وی علیه ازدیاد مالیات بر املاک و همچنین کنترل محصولات کشاورزی دستانهای هیجان‌آوری را در عرصه سیاست آمریکا بوجود آورده است.

نویسندگان مشهور حقوق اساسی آمریکا بنام آگ و ری در صفحه ۱۴۷ کتاب خود در موضوع فوق چنین اظهار عقیده میکنند:

«متأسفانه در نظر بسیاری افراد این کشور همه جنبه‌های دموکراسی آمریکا تحت الشعاع عده‌ای خودخواه و بیرحم و مادی و حيله‌گر یعنی بعضی گروههای سیاسی قرار دارد. در حالیکه آنچه مردم را از شریک گروه سیاسی محفوظ میدارد مزاحمت گروه سیاسی قویتر و محیلتر دیگر است که در جهت مخالف و در همان زمینه فعالیت میکند.

بعلاوه اعضاء هر گروه در سیاست کلی گروه غالباً متفق نبوده هر اندازه بر تعدادشان افزوده شود اختلاف عقیده و مسلک در میانشان بیشتر شده براهیکه دغل در آن کمر است سوق داده خواهد شد. بعبارت دیگر اصطکاکهای خارجی و اختلافات افراد در گروه مآلاً به نفع کشف حقایق بوده موجب میگردد که قوه مقننه لوایح را با توجه بکلیه جهات و موجبات جرح و تعدیل و تصویب یارد نماید.

روشهاییکه گروههای سیاسی بکار میبرند

گروههای سیاسی باعتبار سازمان مربوطه‌ایکه نمایندگی آنها بعهده دارند و همچنین نوع تقاضا و هدف فعالیتهای خود متدهای متعدد و گوناگونی بکار میبرند که تحت چهار عنوان طبقه‌بندی شده است. تهیه و انتقال اطلاعات - رفاقت و معاشرت با نمایندگان - تبلیغات - مناقشه و نزاع.

الف - تهیه و انتقال اطلاعات

تهیه و انتقال اطلاعات با تنظیم طرحهای قانونی توسط وکلا و مشاورین حقوقی سازمان آغاز میشود.

همینکه نماینده‌ای را یافتند که طرح توسط وی بمجلس تقدیم گردد اطلاعات لازم و کافی بنحویکه منافع و نظریات گروه را تأمین کند در اختیار وی قرار میدهند. چون طرح به کمیسیون ارجاع گردید ادله و اطلاعات و آماریکه اعضاء کمیسیون

نقش کنگره در سیستم حقوقی

را قانع کند نهیه و تسلیم مینمایند .
بایستی بخاطر داشت که هزینه و مساعی گروههای سیاسی بیشتر صرف مبارزه با طرحهای تقدیمی دیگران میشود که منافع گروه را احتمالاً دچار مخاطره کرده یا مزاحمتهائی برایشان بوجود آورد اطلاعاتی علیه طرحهای مذکور تهیه و به قوه مقننه تقدیم میکنند .

ب - رفاقت و معاشرت با نمایندگان

« اعضاء رابط » که واسط بین گروههای سیاسی و نمایندگان میباشد میکوشند تا با اعضاء قوه مقننه طرح دوستی ریخته نمایند گانی را که در کمیونها مشاغل حساس دارند بسوی خود جلب نمایند . متد مذکور مستلزم تشکیل محافل انس و مجالس خصوصی است .

ج - تبلیغات

گروههای سیاسی بمنظور تغییر یا جلب افکار عمومی بانحاء وسایل تبلیغاتی از قبیل ارسال نامه های خصوصی با افراد - نطق های رادیوئی - درج قصه ها و حکایات در روزنامه ها - آگهی و غیره متوسل میشوند .

هدف از تبلیغات تحریک افراد یا گروههایی است که ممکنست در موضوع ذینفع بوده و از راه مراجعه مستقیم به نمایندگان خود در مجلسین قوه مقننه را تحت فشار قرار دهند . غالباً ملاحظه شده است که پس از يك جنگ تبلیغاتی عاقلانه سیل نامه و تلگراف بسوی قوه مقننه سرازیر شده است .

د - مناقشه و نزاع

در ماوراء هر يك از فعالیتهای گروه سیاسی نوعی مناقشه و نزاع وجود دارد که از همه مهمتر جنگ های انتخاباتی است که گروههای سیاسی له طرفداران خود و علیه مخالفین طرح و تعقیب میکنند .

نمایندگان از اینکه مورد خشم و دشمنی گروههای سیاسی متنفذ قرار گیرند شدیداً اجتناب میورزند زیرا در اینصورت انتخاب آنان در دوره اجلاسیه بعد با اشکال مواجه خواهد شد .

پاره ای گروههای سیاسی در جنگ تبلیغاتی میان چند نفر بهمه آنان مساعدت میکنند تا هر کدام برنده گردد از مساعدت به گروه دریغ نورزد .

کنترل گروههای سیاسی

با اینکه کنترل و محدود ساختن فعالیت گروههای سیاسی کرارا از طرف مردم

نقش کنگره در سیستم حقوقی

تناقضاً شده است معذالك قانون سال ۱۹۴۶ جز محدودیت جزئی بر آنان تحمیل نمود قانون مذکور مقرر میدارد که هر گروه سیاسی بایستی مشخصات و دامنه فعالیت و همچنین مؤسساتی را که مأموریت دفاع از حقوقشان بمهده گروه است باطلاع کنگره رسانیده و مراتب در روزنامه رسمی آگهی شود .
با این ترتیب بجای قلع و قمع گروههای سیاسی معرفی آنان به جامعه و آشکار ساختن عملیات هر گروه مفیدتر تشخیص گردید .
بعلاوه هزینه ها و درآمد های گروه با ذکر منابع درآمد و محل خرج جهت ممیزی و در صورت لزوم آگهی در روزنامه هر ساله بکنگره تقدیم میگردد .

مقایسات تطبیقی

نظرباینکه حکومت جمهوری امریکا اثنائی است و سیستم مذکور عادتاً در برابر جمهوری پارلمانی مانند فرانسه قرار میگیرد ذیلا قوه مقننه دو کشور را باختصار و اجمال مقایسه و بررسی مینمائیم .

مقایسه سازمان کنگره امریکا و سازمان پارلمانی فرانسه

(بموجب قانون اساسی ۱۹۴۶)

۱- ماده ششم قانون اساسی فرانسه درباره عده نمایندگان پارلمان فرانسه اعم از مجلس ملی و شورای جمهوری وسعت قلمرو و تعداد جمعیت هر یک از نواحی فرانسه را مالک قرار داده است .

در امریکا بشرح اصل اول قانون اساسی فقط اعضاء مجلس نمایندگان بر حسب جمعیت هریالت انتخاب و بمرکز اعزام میشوند

در سنای امریکا هریالت بدون توجه بقلمرو و جمعیت دو نماینده دارد . اختلاف فوق ناشی از اینستکه ایالات قبل از ورود بدولت متحده دارای حاکمیت و استقلال بوده و مجلس سنا مظهر اعمال آن حاکمیت است . در حالیکه نواحی فرانسه چنان حاکمیت و استقلالی نداشته اند .

۲- قریب يك ششم مجموع اعضاء شورای جمهوری را مجلس ملی انتخاب میکند . انتخاب بقیه اعضاء توسط شورا های بخش و ولایات و آراء عمومی ولی غیر مستقیم صورت میگیرد .

اعضاء مجلس سنای امریکا سابقاً بموجب بند سوم از اصل اول توسط قوه مقننه هریالت انتخاب میگردد ولی فعلاً بدستور اصل هفدهم متمم قانون اساسی انتخابات مذکور يك درجه بوده مستقیماً توسط مردم انجام میگیرد . ترتیب اخیر به مجلس سنا جنبه ملی داده قدرت قانونگذاری مجلس مذکور را بر اراده مردم استوار ساخته است .

نقش کنگره در سیستم حقوقی

۳- بموجب ماده ۱۵ قانون اساسی فرانسه مجلس ملی به کمیسیون‌هایی که عده و ترکیب و صلاحیت آنها را خود تعیین مینماید تقسیم میگردد ترتیب مذکور یعنی تقسیم مجلس به کمیسیون‌ها عینا در کنگره امریکا معمول و متداول است.

مقایسه وظائف کنگره و پارلمان

۱- حق وضع قانون - ماده ۱۳ قانون اساسی فرانسه حق مذکور را منحصر بمجلس ملی دانسته و ماده ۲۰ باظهار نظر شورای جمهوری جنبه تشریفاتی داده است. در حالیکه سنای امریکا از لحاظ وضع قانون در عوض مجلس نمایندگان بوده و حتی در پارهای امور منجمله تصویب قراردادها و انتخاب مدیران سازمان اجرایی دارای صلاحیت استثنائی است.

این ترتیب ناشی از تقسیم حاکمیت است بین دولت مرکزی و ایالات. در حالیکه حاکمیت دولت فرانسه مخصوص حکومت مرکزی بوده نواحی یکسره از آن بی بهره‌اند. بهمین دلیل اعضاء شورای جمهوری که اصولا منتخبین شوراهای بخش و ولایات میباشند در حقیقت مسلوب‌الاختیار بوده صلاحیتشان در چهارچوبه نظر متورتنی محدود گردیده است.

۲- توشیح قانون - رئیس مجلس ملی فرانسه حق دارد در صورت استنکاف رئیس جمهور قوانین را توشیح نماید. اعطای چنان قدرت قانونی ممتاز به رئیس مجلس از آن جهت است که رئیس جمهور فرانسه منتخب پارلمان بوده و در حقیقت وکیل مجلس ملی است. استنکاف وکیل از اجرای اوامر موکل به موکل حق میدهد شخصا در انجام منویات خود اقدام کند. در حالیکه رئیس جمهور امریکا مستقیما مبعوث مردم است و عدم توشیح قوانین از طرف او موجب اثبات صلاحیت رؤسای مجلسین نخواهد بود.

قدرت استثنائی فوق را شاید بتوان باموردیکه رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور امریکا از کاربرکنار میشوند و رئیس مجلس نمایندگان عهده‌دار مقام ریاست جمهور میشود مقایسه کرد.

۳- قانون اساسی فرانسه برای تصویب معاهدات سیاسی تشریفات خاصی تامل نشده و آنرا در حدود سایر قوانین موضوعه دانسته است در حالیکه بند دوم از اصل دوم قانون اساسی امریکا معاهدات مذکور را منحصر در صلاحیت مجلس سنا و تصویب اکثریت دوثلث نمایندگان قرار داده است ترتیب مذکور ناشی از اینست که سنای امریکا در حکم جامعه دول متحد بوده و همانگونه که روابط خارجی کشورها با سیاست دولت بستگی دارد رسیدگی و تصویب آنرا در اختیار مجلسی گذاشته اند که صرف نظر از تعداد جمعیت

نقش کنگره در سیستم حقوقی

کشورهای عضو هر ایالت دارای حقوق و اختیارات متساوی است .
۴- نظارت قوه قضائیه بر مقننه . بموجب سنت دیرینه ای که از طرف دیوانعالی کشور
امریکا بوجود آمده و قانون اساسی نسبت به آن بکلی ساکت است محاکم به ایراد
غیرقانونی بودن مصوبات پارلمان رسیدگی نموده و در صورت تناقض آن با قانون اساسی
قانون عادی را کان لم یکن و ملغی الاثر اعلام مینمایند . در حالیکه نظارت یا اختیار مشابه
آن به محاکم فرانسه داده نشده است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی